

تاریخ و جغرافیای جامع فارس

عبدالمحمد روح‌بخشان

نزهت الاخبار (تاریخ و جغرافیای فارس)، میرزا جعفرخان حقایق‌نگار خورموجی، تصحیح و تحقیق سید علی آل‌داود، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تابستان ۱۳۸۰، ۸۵۱ صفحه، فهرست.

خطه فارس بخشی از ایران زمین است که سرنوشت عمده تاریخ این کشور در آن‌جا رقم خورده است. این اقلیم، پیش از آن‌که مُثله شود و به صورت تکه‌پاره‌های امروزی درآید، پهنه‌ای وسیع، میان کرمان و اصفهان و خوزستان و دریای فارس، را در بر می‌گرفته است. پس بی‌دلیل نیست که تاریخ و جغرافیای کامل آن، در قرن سیزدهم هجری، به دست کسی نوشته شده باشد که زاده خورموج از توابع استان بوشهر امروز بوده است.

حاجی میرزا محمدجعفرخان حسینی خورموجی دشتستانی، ملقب به حقایق‌نگار، در سال ۱۲۲۵ در خورموج دیده به جهان گشود. پدر و اجدادش از خوانین محل و دارای مناصب ضابطی و کلانتری بودند و جد چهارمش ریاست تمام دشتی و دشتستان را داشته است. خود میرزاجعفر هم، پس از مرگ پدر، عهده‌دار ضابطی و کلانتری خورموج شد؛ اما، بر اثر تاخت و تازهای محلی، ناگزیر به فرار و ترک آن‌جا گردید و در سال ۱۲۶۰ به شیراز رفت و، در پرتو سوادى که داشت، به مشاغل حکومتی گمارده شد و مناصبی یافت. وی، در این دوران، هم‌چنان به تحصیل و مطالعه ادامه داد و کتابی به نام آثار جعفری تألیف کرد که در سال ۱۲۷۶ به چاپ رسید. او، در همان سال، به تهران رفت و نسخه‌ای از این اثر را به نظر ناصرالدین شاه رساند که پسند افتاد و ناصرالدین شاه او را

مأمور نگارش تاریخ قاجار و وقایع آن عصر به دور از تکلف و تملق کرد. میرزا جعفر این تاریخ را با نام حقایق الاخبار تألیف کرد و، چون اثر او مورد توجه قرار گرفت، به لقب حقایق‌نگار ملقب شد. متأسفانه، بر اثر خرده‌گیری حسودان در مورد قتل امیرکبیر، شاه دستور توقیف و نابودی کتاب را داد. اما نسخه‌هایی از آن جان به در برد که، چند سال پیش، چاپ و منتشر شد.

میرزا جعفرخان، پس از آن، چند کتاب دیگر تألیف کرد که آخرین آنها آیینۀ مظفری در باب جغرافیای عمومی عالم است و جلد دوم، کتاب مورد بحث ما، یعنی نزهت الاخبار، شمرده شده است.

نگارش نزهت الاخبار در سال ۱۲۹۶ آغاز شد و در سال ۱۲۹۸ به انجام رسید. این کتاب یکی از پژوهش‌های مهم در تاریخ و جغرافیای فارس و زندگی‌نامه رجال، دانشمندان و شاعران این خطه و متشکل از هشت بخش است که، هر چند عمدتاً به فارس اختصاص دارند، در ضمن آنها به ویژه در فصل‌های «تاریخ فارس از ورود اسلام تا دوره صفوی» و «سلسله صفویه» و «افشاریه» و «زندیه» و «قاجاریه» (ص ۱۲۱ تا ۵۴۱)، تاریخ عمومی ایران گزارش شده است. این گزارش عمدتاً مشتمل است بر شرح برآمدن یا برافتادن سلسله‌ها و کشمکش‌های سران جنگی و عشایر و وقایع عمدۀ روزگار شهریاران و طبعاً از منابع مکتوب آن زمان برگرفته شده است و جز «حقیقت‌نگاری» تفاوت مهمی با کتاب‌های تاریخی دیگر ندارد. اما وجه امتیاز این اثر توجهی است که در آن به نامداران اقلیم فارس شده است، از جمله وزیران (جمعاً ۴۴ نفر)، دانشمندان و بزرگان (۱۲۴ تن)، مشایخ و عرفا (۱۶ تن)، سخن‌سرایان و نویسندگان (۱۳۵ نفر)؛ مؤلف شرح احوال این مشاهیر را حسب المقدور گرد آورده، نمونه‌های کوتاه و بلندی از اشعار شاعران نقل و به نام و نشان آثار مؤلفان اشاره کرده است.

بدین‌سان، ارزش اصلی این کتاب، صرف نظر از روایت عینی و عاری از چاپلوسی وقایع تاریخی، تعیین تعلق جغرافیای قریب ۳۲۰ تن از شخصیت‌های صاحب‌نام ایران در دوره اسلامی است از سلمان فارسی گرفته تا میرزا فضل‌الله خاوری صاحب تاریخ ذوالقرنین و حاجی میرزا ابوالحسن خان شیرازی و شیخ محمدبن علی مقابی، برادر شیخ یوسف اصم، و پورفریدون و بسمل و بیکسی و بیمار و فرهنگ و غیر هم. در واقع، همان‌گونه که مصحح کتاب نوشته است: «میرزا جعفرخان، به هنگام نگارش نزهت

الاجبار، به سبب بریدن از تعلقات دیوانی و درباری، از آزادی فکری بیشتر برخوردار بوده و... تلویحاً و تصریحاً از مورخان چاپلوس به زشتی یاد کرده [از جمله نوشته است]: و كذلك، متملقین مورخین نسب خود صدر اعظم را به خواجه اباصلت هروی، که از خواص حضرت رضاست، رسانیده‌اند. در این باب، اگر عجله نمی‌کردند و دو سال دیگر به همان اقتدار برقرار می‌بود، به خود حضرت رضا - علیه التحیه و الثناء - قرار می‌گرفت».

معلوم است که آن صدر اعظم میرزا آقاخان نوری بوده است که تاریخ به زشتی از او یاد می‌کند؛ و این مهم نیست، مهم درک و شناخت مؤلف زهت الاجبار و حقیقت‌نویسی اوست که، در پرتو آن، بسیاری از وقایع و امور فوت‌شده از کتاب‌های دیگر، کما هو حقّه، در آثار او منعکس و مندرج شده‌اند و، از این طریق، دسترسی به زوایایی تاریک از تاریخ ایران میسر می‌گردد؛ و این خدمتی بس بزرگ و ستودنی است.

□

Archive of SID